





وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی
پژوهشکده ادبیات

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عرب

بررسی جنبه‌های طنز در آثار مظفر النواب و علی اکبر دهخدا

استاد راهنما
دکتر عبدالحسین فرزاد

استاد مشاور
دکتر قیس آل قیس

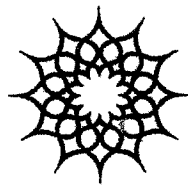
پژوهشگر
طاهره گودرزی

دی ماه ۱۳۸۷

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی

۱۳۸۸ / ۳ / ۱۷

۱۱۴۰۵۷



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی

هیأت داوران در تاریخ ۱۳۸۷/۱۰/۱۵

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عرب « خانم طاهره گودرزی »

تحت عنوان

« بررسی تطبیقی جنبه های طنز در آثار مظفر النواب و دهخدا »

۱۳۸۸ / ۲ / ۱۷

را بررسی کردند و پایان نامه با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

۱. استاد راهنمای پایان نامه، جناب آقای دکتر فرزاد با مرتبه علمی دانشیار

۲. استاد مشاور پایان نامه، جناب آقای دکتر آل قیس با مرتبه علمی دانشیار

۳. استاد داور داخل گروه، جناب آقای دکتر نجف دری با مرتبه علمی استادیار

۴. استاد داور داخل گروه، جناب آقای دکتر رادفر با مرتبه علمی استاد

امضای رئیس پژوهشکده

رادفر

امضای مدیر گروه

قیس

امضای نماینده مدیریت

تحصیلات تکمیلی

حجاب

تقديم به

شاه بيت ديوان هستي

ابا صالح المهدي (عليه السلام)

چکیده

با توجه به موقعیت سیاسی، جغرافیایی و دینی مشابه ایران و عراق، این دو کشور طی قرن بیستم سرنوشت مشترکی داشته و به عنوان کشورهای نفت خیز همواره مورد طمع بیگانگان و کشورهای غربی بودند. در طول قرن گذشته، همزمان با وقوع تحولات بی سابقه در عرصه جهانی بویژه جنگ جهانی اول و دوم و تبعات آن بر روی کشورهای خاورمیانه، رفته رفته، قشر روشنفکر این جوامع در صدد انتقاد از وضعیت سیاسی حاکم بر این کشورها و شرایط اجتماعی مردم برآمدند که باعث شد نقد اجتماعی با مسائل سیاسی در آمیخته شود و در این میان، شاعران و ادیبان برجسته ای ظهور کنند که با دست مایه قرارداد این موضوعات، پیام های اصلاحگرانه خود را در قالب های جدیدی به مخاطبان خود منتقل کنند. از جمله این متفکران و ادیبان اصلاح طلب می توان از مظفر النواب شاعر برجسته عراقی و علی اکبر دهخدا ادیب سرشناس ایرانی نام برد. وجه مشترک این دو، انتخاب قالب طنز به عنوان مجرای ارتباطی با مردم اجتماع محسوب می شود. طنز پردازی مظفر النواب و علی اکبر دهخدا ویژگی های خاصی را داراست که در این تحقیق کوشیدم به آن بپردازم و با یکدیگر مقایسه کنم. جنبه های طنز آمیز آثار آنان بر بافت سیاسی- فرهنگی جوامع ایران و عراق و نیز خصوصیات سبکی و جهان بینی آنان مبتنی است و طی آن تلاش شده، پیام مورد نظر در گستره وسیع تری به مخاطبان ارسال شود به این معنا که آنان با بهره گیری از فرهنگ و اصطلاحات عامه مردم در جهت نزدیک کردن زبان خود به سطح فهم توده عامی و متوسط جامعه تلاش زیادی کردند به موفقیت هایی نائل شدند. ولی با این حال تفاوت هایی نیز در زمینه طنز پردازی ایشان مشاهده می شود که بارزترین آنها انتخاب شیوه هجو گزنده همراه با کاربرد کلمات تند و آتشین و احیاناً ناسزا و تصویرسازی هایی زننده توسط مظفرالنواب و نیز تنوع و تفنن در نحوه طنزپردازی علی اکبر دهخدا با استفاده از شیوه های مختلف نگارشی از جمله داستان نویسی و ... می باشد.

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۱	فصل اول: کلیات
۲	بیان مسأله
۲	اهمیت تحقیق
۳	سؤال مورد تحقیق
۳	تعریف واژگان
۳	محدودیت‌ها
۴	پیشینه‌ی تحقیق
۴	روش کار
۵	فصل دوم: تحلیل داده‌ها
۶	نقد ادبی
۷	نقد تطبیقی
۸	طنز و نقد اجتماعی
۱۰	طنز، هجو، هزل
۱۰	طنز
۱۲	هجو
۱۳	هزل
۱۵	طنز تصویری
۱۶	جایگاه طنز در زندگی معاصر
۱۸	یادداشت‌ها
۲۰	فصل سوم: مظفر النواب
۲۱	نگاهی گذرا به تاریخ سیاسی عراق در قرن بیستم
۲۵	اوضاع اجتماعی عراق در قرن بیستم
۲۹	وضعیت ادبیات و شعر عراق در قرن بیستم
۳۳	شاعران متعهد و جامعه‌گرای عراق
۳۵	مهم‌ترین درون‌مایه‌های شعر شاعران جامعه‌گرای عراق
۳۶	شرح حال مظفر النواب
۳۸	معرفی آثار النواب
۳۹	جایگاه مظفر النواب در میان شاعران معاصر عراق
۴۰	مهم‌ترین اندیشه‌ها و درون‌مایه‌های آثار النواب

۴۲	- تصویر عراق در شعر النواب
۴۴	- جهان‌بینی مظفر النواب
۴۹	- یادداشت‌ها
۵۴	فصل چهارم: علی اکبر دهخدا
۵۵	- ایران در قرن بیستم
۵۹	- انقلاب مشروطه و تحولات جدید در ایران
۵۹	- الف- نگاهی به انقلاب مشروطه
۶۳	- ب- تحولات جدید
۶۵	- جامعه‌ی ایران در عصر مشروطه و پهلوی اول
۶۸	- وضعیت ادبیات ایران در عصر مشروطه
۷۱	- مهم‌ترین درون‌مایه‌های شعر شاعران عصر مشروطه
۷۲	- شرح حال علی اکبر دهخدا
۷۴	- آثار دهخدا
۷۵	- دهخدای روزنامه نگار
۷۷	- جایگاه صور اسرافیل در بیداری ایرانیان
۷۹	- جهان‌بینی و مهم‌ترین اندیشه‌های دهخدا
۸۲	- یادداشت‌ها
۸۷	فصل پنجم: طنز در آثار النواب و دهخدا
۸۸	- طنز در آثار النواب
۱۰۶	- طنز در آثار دهخدا
۱۰۷	- الف- نثر
۱۱۴	- ب- شعر
۱۱۸	- طنز النواب و دهخدا
۱۲۳	- یادداشت‌ها
۱۲۶	- خاتمه‌ی سخن
۱۳۲	- الملخص
۱۴۴	- المصادر
۱۴۵	- فهرست منابع و مأخذ

مقدمه

در اوایل قرن بیستم با توجه به وقوع تحولات بی‌سابقه در خاورمیانه من جمله ایران و عراق، جریان‌های ادبی متعددی به تناسب وقایع سیاسی رخ دادند که به تبع آن قشر روشنفکر در پی آگاهی بخشی به مردم جامعه و ممانعت از سوء استفاده استعمارگران و حاکمان از ضعف فرهنگی آنان برآمدند. به طور کلی با توجه به اینکه ایران و عراق به عنوان دو کشور مسلمان و سرشار از منابع طبیعی، همیشه مورد طمع بیگانگان و کشورهای غربی بودند که با شیوه‌های متفاوت از جمله اشغال نظامی و یا روی کار آوردن یک دولت دست نشانده و حافظ منافع ایشان، منابع ملی این کشورها را غارت می‌کردند، این دو کشور طی قرن بیستم سرنوشت مشابهی داشتند. چنین امری باعث پیدایش شباهت‌هایی میان آثار متفکران و منتقدان اجتماعی دو کشور شد که علی‌رغم بستر فرهنگی متفاوت، با انتخاب شیوه‌های تقریباً مشابه پیام مشابهی را به مخاطبان خود منتقل می‌کردند.

مظفر النواب شاعر شهیر عراقی جایگاه ویژه‌ای در میان شاعران این کشور دارد و با ابداعات قابل توجهی در زمینه شعر عامیانه که البته آن هم فصاحت خاص خود را دارد، تسلط خود را به زبان عامیانه و زبان فصیح نشان داده و با بهره‌گیری از آن، با تکیه بر نقد اجتماعی و سیاسی در زمینه گسترش محدوده‌ی مخاطبان خویش کوشید. هجوهای سیاسی وی و ابعاد طنزآمیز آثار او حداقل در ایران بسیار ناشناخته مانده هر چند که در جهان عرب نیز به حد کافی به این شاعر پرآوازه پرداخته نشده است.

به هر حال پژوهشی در زمینه مظفر النواب و مقایسه‌ی وی با طنزپرداز بزرگ ایران یعنی علی‌اکبر دهخدا که به حق یکی از مفاخر علمی و فرهنگی ایران محسوب می‌شود، باعث معرفی بیشتر این دو و جنبه‌های طنزآمیز آثار ایشان می‌گردد.

در این پژوهش سعی شده است اطلاعاتی در حد نیاز پیرامون النواب و دهخدا ارائه گردد و سپس با استفاده از آن‌ها و نیز ویژگی‌های طنزآمیز در آثار ایشان، یک جمع‌بندی کلی در مورد این دو ادیب برجسته مطرح شود.

طی فصل اول به کلیات تحقیق یعنی سؤال مورد تحقیق، اهمیت، محدودیت‌ها، و تبیین مسأله پرداخته شده است. در فصل دوم نیز مبنای اصلی یک پژوهش انتقادی و موضوعات مرتبط با این پژوهش خاص که به بررسی ابعاد طنزآمیز می‌پردازد، مطرح شده‌اند.

در طول فصل سوم کوشیده شده شمه‌ای از اطلاعات لازم در مورد مظفر النواب به خوانندگان منتقل شود. در این میان، تاریخ سیاسی، اوضاع اجتماعی و وضعیت شعر و ادبیات عراق در قرن بیستم تشریح شده، شاعران متعهد و جامعه‌گرای این کشور به همراه مهم‌ترین درون مایه‌های اشعار آنان معرفی گردید و سپس به مظفر النواب، زندگی‌نامه، آثار، جایگاه، درون مایه‌های شعری و جهان‌بینی او پرداخته شده است.

در فصل چهارم نیز محیط سیاسی و اجتماعی علی‌اکبر دهخدا با توجه به مقطع مورد بررسی یعنی دوره‌ی انقلاب مشروطیت تبیین گردیده، زندگی‌نامه، آثار و جهان‌بینی او مطرح شد و به دهخدای روزنامه‌نگار و جایگاه صور اسرافیل نیز توجه شده است.

طی فصل پنجم نیز ابتدا با بررسی طنز در آثار النواب و سپس در آثار دهخدا کوشیده شده طنز این دو مورد مقایسه قرار گیرد و در خاتمه جمع‌بندی مطلب عنوان شده است.

امیدواریم که در آینده، مسیر تحقیق و پژوهش در مورد شاعران و ادیبان عراقی و یا دیگر کشورهای عربی که تا به حال به اندازه کافی به ایشان پرداخته نشده است ادامه یابد و شاهد طرح آثار بیشتری در حوزه‌ی نقد و ادبیات تطبیقی میان ایران و سایر کشورهای عربی باشیم.

در پایان از همه‌ی کسانی که در انجام این تحقیق کارگشا بوده و به نوعی به آن کمک کرده‌اند کمال تشکر را دارم و صمیمانه از استادان دلسوز و مهربان خود بویژه دکتر فرزاد، دکتر آل قیس و دکتر رادفر سپاسگذاری می‌کنم. و نیز از خانواده‌ی محترم خود به همراه دوستان عزیزم از جمله خانم‌ها اسراء قطبی فرد و فتنه غلامی و جناب آقای مهدی حاجت پور که همواره یاریگر من بوده‌اند قدردانی می‌نمایم.

فصل اول

کلیات

بیان مسأله

در اوایل قرن بیستم و ضرورت آگاهی بخشی به مردم در مورد مسائل سیاسی روز که نتیجه‌ی سیاست‌های نوین کشورهای استعماری بود، قشر روشن فکر جوامع ایران و عراق در پی انجام اصلاحاتی اساسی در ساختار سیاسی برآمدند از این رو نقد اجتماعی در این کشورها با مسائل سیاسی در آمیخته شد و شاعران بزرگی در این حوزه ظهور کردند. شاعرانی که با توجه به ذائقه‌ی ادبی مردم خود توانستند، در زمینه‌ی معرفی ریشه‌های اجتماعی و سیاسی ناکامی‌ها و عقب‌ماندگی‌های جوامع خود سهیم و مثمر ثمر باشند. آنان در راستای بیان مطالب خود، از ابزار طنز بهره گرفته به عنوان اصلاحگران اجتماعی از این ابزار بهره جسته و به طنزپردازی شهرت یافته‌اند.

- اهمیت تحقیق

تحقیق پیش‌رو که به بررسی جنبه‌های طنز در آثار مظفرالنواب و علی‌اکبر دهخدا می‌پردازد، اهمیت خود را در سطح آشنایی با کنش و عملکرد ادبیات در دو فرهنگ و کشور مختلف (ایران و عراق) نشان می‌دهد. زیرا ادبیات به عنوان حرکتی پویا و همگام با مسائل روز باید نشانگر سختی‌ها، شادی‌ها، مشکلات و آلام عصر خود باشد و در برابر مسائل سیاسی و روز از خود عکس‌العمل نشان دهد. این عملکرد در فرهنگ‌های مختلف ویژگی‌های خاص خود را داراست. از این رو آشنایی با کارکرد مشابه ادبیات در دو کشور مختلف از جهت نقد اجتماعی و

معرفی مظفر النواب به عنوان یکی از شاعران بزرگ معاصر عراق در حوزه‌ی شعر طنزآمیز و انتقادی از دیگر وجوه اهمیت تحقیق حاضر محسوب می‌شوند.

- سؤال مورد تحقیق

سؤال اصلی این تحقیق که مبنای پژوهش را تشکیل می‌دهد این است که اصولاً چه تفاوت‌هایی در شعر طنزآمیز که بر مبنای نقد اجتماعی و سیاسی سروده شده است در آثار مظفرالنواب شاعر بزرگ عراقی و علی‌اکبر دهخدا طنز نویس برجسته‌ی ایران وجود دارد و این دو در آثار خود بر روی چه مسائلی متمرکز شده و برای بیان آن‌ها چه شیوه‌هایی را برگزیده‌اند؟

- تعریف واژگان

واژگان اساسی این تحقیق بنا به موضوع مورد بحث شامل این موارد می‌شود: طنز، نقد اجتماعی، هجو سیاسی، شاعر جامعه‌گرا، عراق، آزادی، مظفرالنواب، ایران، علی‌اکبر دهخدا، عصر مشروطه، مطبوعات، صور اسرافیل.

- محدودیت‌ها

متأسفانه با آن‌که ایران و سرزمین‌های عربی طی قرن بیستم، سرنوشت مشابهی داشته‌اند، پژوهش‌های تطبیقی کمی بین ادبیات این دو کشور مسلمان صورت گرفته است. علاوه بر این، مظفر النواب شاعر نام‌آشنای عراقی، در ایران کمتر شناخته شده است و به ندرت مطلبی در ایران در مورد این شخصیت نوشته شده است. مضاف بر این که به دلیل زبان تند مظفر النواب، کتاب‌های عربی انگشت شماری در مورد این شخصیت منتشر شده که همین امر باعث تکیه بر منابع اینترنتی و آرشیو روزنامه‌های مطرح عرب زبان شد.

- پیشینه‌ی تحقیق

به طور کلی در زمینه‌ی ادبیات و نقد تطبیقی، پژوهش‌های پراکنده و گاهی آکادمیک و دانشگاهی صورت گرفته است که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «سعدی و متنبی»، «جبران خلیل جبران و صادق هدایت»، «نجیب محفوظ و محمود دولت آبادی» و «غاده سمان و فروغ فرخ‌زاد». اما به طور خاص در مورد مقایسه‌ی مظفر النواب و علی اکبر دهخدا تا کنون هیچ پژوهشی صورت نگرفته و اصولاً مظفر النواب در ایران چندان شناخته شده نمی‌باشد.

- روش کار

روش کار در این تحقیق همانند بسیاری از موضوعات مرتبط با ادبیات و ادبیات تطبیقی بر مطالعه‌ی کتابخانه‌ای و گردآوری اطلاعات از طریق یادداشت برداری متکی بود.

فصل دوم

تحليل داده‌ها

- نقد ادبی

بی‌شک، آن‌چه که موجب تداوم جریان خلاقیت و آفرینش فکری، هنری و فنی مداوم و مستمر شده روحیه‌ی نقادی و انتقاد است زیرا انسان کمال‌گرا در مواجهه با کاستی‌ها و نقایص، همواره در تلاش بوده است با رویکردی نقادانه، معایب را برطرف کرده و در ابعاد مختلف سیری متعالی داشته باشد.

از آن‌جا که ادبیات، ثمره‌ی ذوق بشری محسوب شده و در طول تاریخ بارها اهمیت خود را در زمینه تحولات اجتماعی و سیاسی نشان داده است، مبحث نقد آثار ادبی در بستر زمان همواره مورد توجه بوده است و از همین رو همگام با گسترش دانش بشری دست‌خوش تغییر شده است.

«تعریف نقد ادبی در نزد قدما با آن‌چه امروزه از آن استنباط می‌شود متفاوت است. در قدیم مراد از نقد معمولاً این بوده است که معایب اثری را بیان کنند و در مورد فراز و فرود لفظ و معنی سخت گویند»^۱

شاید بتوان علت اصلی چنین برداشتی از نقد ادبی را دلالت معنایی کلمه نقد دانست که از دیرباز به معنی عیب‌جویی به کار رفته است. چنانکه «در حدیثی نبوی که از ابی‌الدرداء نقل شده ایشان فرمودند: **إِنْ تَقَدَّتِ النَّاسَ نَقْدُوكَ وَ إِنْ تَرَكْتَهُمْ تَرَكَوكَ**»^۲ به این معنا که اگر به عیب‌جویی از مردم پرداززی آنان نیز متقابلاً همین کار را در مورد تو انجام می‌دهند.

گذشته از تغییر و تحول این واژه در طول زمان، مفهوم نقد ادبی نیز همواره در مسیر تحول قرار داشته است.

« نقد ادبی در گذر زمان از حوزه‌ی عیب‌جویی صرف و بیان نقاط ضعف آثار ادبی بیرون آمده و با توجه به نکات مثبت آن‌ها، نقش یک حلقه‌ی ارتباطی را میان دنیای خالق و دنیای خوانندگان این آثار ایجاد می‌کند. به بیان دیگر می‌توان مفهومی گسترده و تعریفی جامع‌تر برای نقد ادبی قائل شد و آن را شناخت آثار ادبی از روی خبرت و بصیرت نامید.»^۲

بدین ترتیب، نقد ادبی وارد فرآیندی شد که طی آن با ورود آراء و اندیشه‌های جدید، مرزهای قدیمی و سنتی آن در نوردریده شده و ساختاری جدید را تجربه کرد.

«می‌توان در برابر نقد سنتی آثار ادبی، سخن از نقد نوین به میان آورد. نقدی که علاوه بر جنبه‌های بیانی، لغوی و معنایی، از محیط بسته‌ی پیشین پا فراتر گذاشته و نقادان برای ارزیابی یک اثر ادبی باید کوله‌باری از دانسته‌های مرتبط با جامعه‌شناسی، مرام‌شناسی، نشانه‌شناسی، اخلاق و غیره را به همراه داشته باشند.»^۴

- نقد تطبیقی

برای ارائه‌ی تعریفی جامع از عبارت «نقد تطبیقی» باید ابتدا به تبیین مؤلفه‌ها و عناصر مرتبط با آن پرداخت. در واقع شالوده‌ی اساسی این مفهوم را مبحث «ادبیات تطبیقی» تشکیل می‌دهد.

ادبیات تطبیقی، بررسی روابط تاریخی ادبیات ملی با ادبیات دیگر زبان‌هاست و در حقیقت بیانگر انتقال پدیده‌های ادبی از یک ملت به ادبیات دیگر کشورهاست. گرچه باید این نکته را مد نظر داشت که شرط انجام پژوهش‌های تطبیقی، اختلاف زبانهاست و حتماً باید دو اثر متفاوت از دو زبان و ادبیات مختلف باشند.^۵

به این ترتیب، ادبیات تطبیقی، پلی است میان حوزه‌های ادبی به ظاهر مجزا و تلاشی برای شناخت تأثیر و تأثر موجود میان آنها که در این میان بررسی جریان‌های فکری، انواع ادبی و نیز

تأثیر ادبیات جهانی بر نویسندگان یک کشور خاص جایگاه ویژه‌ای می‌یابد. با این توضیح به نظر می‌رسد نقد تطبیقی گستره‌ای فراتر از ادبیات تطبیقی داشته باشد چرا که نقد، مقوله‌ای جاری در تمام ابعاد زندگی است.

بی‌تردید، ادبیات تطبیقی را نمی‌توان تنها جولانگاه نقد تطبیقی دانست زیرا اصولاً نقد، نهادی اجتماعی است که در حوزه‌ی ادبیات و هنر نیز سلطه دارد. در نقد تطبیقی، پژوهشگر نقاد از همه مقوله‌های ادبی تاریخ ادبیات گرفته تا آرایه‌های ادبی بهره می‌برد. اگر نقد را واسطه‌ای میان مخاطب و خالق اثر ادبی بدانیم و آن را فلسفه‌ای برای شناخت دنیای هنرمند قلمداد کنیم، می‌توان گفت نقد تطبیقی نقدی است که از موازنه و بررسی شانه به شانه‌ی دو اثر ادبی در همه حوزه‌ها و یا حوزه‌ای خاص سخن می‌گوید در این نوع نقد، عناصر مهمی چون پیام، توصیه، محتوا و فرم کار دو هنرمند، بررسی جهان‌بینی آنان از طریق توجه به مضامین اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، عرفانی، فلسفی و غیره مورد بررسی قرار می‌گیرد.^۶

- طنز و نقد اجتماعی

نقد، مهارتی اجتماعی است که موجب پویایی جوامع بشری شده و شکوفایی آن را تضمین می‌کند. طبعاً نقد اجتماعی که یکی از انواع نقد محسوب می‌شود، موازین خاص خود را برای سنجش جامعه و بهبود شرایط موجود دارد. اساساً در این نوع نقد به زمینه‌های اجتماعی اثر و پیامدها و تأثیرات آن بر جامعه نگریسته می‌شود.

«آنچه در این شیوه مورد نظر است، بررسی اثر ادبی به عنوان کنشی اجتماعی است. بی‌تردید اثر ادبی نمودی اجتماعی است زیرا ساختن ادبیات برای کسی که طالب پیوند با مردم نباشد امری عبث خواهد بود. نقد اجتماعی بر آن است تا عوامل اجتماعی پدید آورنده‌ی نوع خاصی از ادبیات را بیابد و در واقع تأثیر و تأثر ادبیات و جامعه را حساس و مهم می‌داند.»^۷

انسان موجودی اجتماعی و حاصل جامعه‌ی محیطی خویش می‌باشد. عرصه‌ی ادبیات نیز به عنوان جولان‌گاه خلاقیت وی، در معرض عوامل تأثیرگذار اجتماعی بوده و به آینده‌ای برای نمایش محیط اطراف او با همه زشتی‌ها و زیبایی‌هایش مبدل می‌شود.

«ادبیات علاوه بر این که حادثه و نمودی اجتماعی است، عامل و محرک اجتماعی نیز هست. شاعر و نویسنده، اوضاع مادی و اجتماعی خود را تحقیر می‌کند. با محیط خود مبارزه می‌کند و می‌کوشد آن را تغییر دهد. از آن جا که ادبیات و جامعه هر دو در حال تحول و تحرک می‌باشند و متقابلاً در یکدیگر تأثیر می‌گذارند، هرگز نباید فعالیت ادبی را از فعالیت کلی اجتماع جدا کرد.»^۱

همین کارکرد ادبیات باعث می‌شود که گرایش‌های فکری و سیاسی آفریننده‌ی اثر ادبی اهمیت ویژه‌ای پیدا کند زیرا یک نویسنده و یا شاعر متعهد باید با رعایت موازین اخلاقی به بیان حقیقت و اصلاح کژی‌ها تعهد داشته و عیوب جامعه را افشا کند. در حقیقت تأثیر و تأثر ادبیات و اجتماع و نحوه‌ی ارتباط این دو با یکدیگر، دست مایه‌ی نقد اجتماعی است و درست در همین جاست که «طنز» به عنوان شیوه‌ای برای به چالش کشیدن کاستی‌های زندگی، بشری، معایب و مفاسد جامعه و حقایق تلخ اجتماعی مطرح می‌شود و آن‌ها را به صورتی اغراق‌آمیز یعنی زشت‌تر و بد ترکیب‌تر از آن چه که هست نمایش می‌دهد تا صفات و مشخصات آنها روشن‌تر و نمایان‌تر شود.

به همین دلیل می‌توان گفت گرچه

«مبنای طنز بر شوخی و خنده است اما این خنده، خنده‌ی شوخی و شادمانی نیست. خنده‌ای است تلخ و جدی و دردناک و همراه با سرزنش و سرکوفت و کمابیش زننده و نیش‌دار که با ایجاد ترس و بیم، خطاکاران را به خطاب خود متوجه می‌سازد و معایب و نواقصی را که در حیات اجتماعی پدید آمده است برطرف می‌کند. به عبارت دیگر اشاره

و تنبیه اجتماعی است که عزلت و غفلت را مجازات می‌کند و هدف آن اصلاح و تزکیه است نه ذم و قدح و مردم آزاری.^۹

یکی از دلایل تأثیرگذاری طنز و استفاده از آن در نقد اجتماعی، زبان ویژه‌ی آنان است. «طنز با بکارگیری نمادپردازی و با مدد اشاره و کنایه، جدای از زبان استدلال و صراحت به نقد و بیان می‌نشیند و این امکان را برای انسان فراهم می‌کند تا پدیده‌ها را از زاویه‌ی دید دیگری ببیند.»^{۱۰}

طنز، هجو، هزل

هجو و هزل و طنز از انواع ادبیات انتقادی هستند که شاعر یا نویسنده با استفاده از آنها می‌کوشد، نارسایی‌های اخلاقی و رفتاری فرد یا اجتماع را بیان کند. علاوه بر این که به کارگیری هر یک، توانایی‌ها و شروط لازم خود را می‌طلبد، هجو، هزل و طنز از تعاریف خاصی برخوردارند که به مقتضای آنها، دامنه، هدف و میزان تأثیرگذاری این سه نوع ادبی با هم متفاوت می‌باشد.

طنز: این نوع ادبی که شاید پر مخاطب‌ترین و ظریف‌ترین تلاش برای نقد رفتار و حالات شایع در جامعه‌ی پیرامونی نویسنده و یا شاعر باشد بر موازین هنری ریشه‌داری مبتنی است.

«طنز، واژه‌ای عربی است به معنی تمسخر و استهزاء و در اصطلاح ادب به آن دسته آثار ادبی اطلاق می‌شود که با تهکم و طعنه به استهزاء و نشان دادن عیب‌ها، زشتی‌ها، نادرستی‌ها و مفساد جامعه خود می‌پردازد. طنز وسیله‌ای برای بیان معایب و آگاه کردن اذهان نسبت به عمق رذالت‌ها و خبائث است. طنز نویس به ظاهر می‌خنداند اما در باطن، انسان را به تفکر وا می‌دارد.»^{۱۱}

علاوه بر این می‌توان با تکیه بر عنصر «تضاد» در طنز تعریف دیگری از طنز نویسی در

ادبیات ارائه کرد: